

اروپا در پیج رادیکالیسم

زمینه ها و پیامدهای ظهور راست افراطی در اروپا را بررسی کرده ایم



اروپایی ها از این قبیل شعارها که دیگران چون مثل ما نیستند ، نباید هیچ جایگاهی در میان ما داشته باشند، هراس دارند؛ چون چنین دیدگاه برتری جویانه‌ای منجر به ظهور نازیسم و فاشیسم در اروپا و جنگ جهانی شد. به خصوص جریان های لیبرال و طرفدار حقوق بشر هم این نگاه های خود برترینی را در تضاد با ارزش های دموکراتیک اروپایی می دانند و نگران هستند که افراطی ها این ارزش ها را از بین ببرند. راستگرایی یا افراطی گرایی در سیاست اروپا موضوع جدیدی نیست و چند دهه است که جریان های راست افراطی در اروپا مطرح شده اند. عده ای از ظهور و بروز آنها نگران شده و عده ای هم استقبال کرده اند. شاید اولین مورد قابل توجه در اتریش اتفاق افتاد؛ در اواخر دهه ۹۰ که راست های افراطی وارد دولت ائتلافی با سوسیالیست ها شدند. آن رویداد نگرانی فزاینده ای را برای اروپایی ها به همراه آورد. اروپایی ها همه بسیج شدند و فشار زیادی به دولت اتریش وارد کردند تا جایی که اتریش را تا آستانه خروج از اتحادیه اروپا بردند و در نهایت به خاطر همین فشارها آن دولت ائتلافی سقوط کرد. در انگلیس ملی گراهای افراطی معتقد بودند که اتحادیه اروپا، عظمت و قدرت انگلیس را محدود کرده و لذا با خروج از اتحادیه اروپا، انگلیس قدرت بیشتری پیدا می کند و منافعیش بهتر تأمین می شود اما در نهایت برگزیت منافع اتحادیه اروپا برای انگلیس را از بین برد.

راستگرایی افراطی خطر جدی برای اروپا محسوب می شود. البته تاکنون پیروزی های آنها نسبی بوده است. در برخی کشورها مثل هلند، ایتالیا و مجارستان موفقیت کسب کرده اند و به خصوص در ایتالیا دولت هم تشکیل داده اند اما این موفقیت در دیگر کشورها ممکن است به واسطه چالش های مرتبط با افکار عمومی دشوار باشد؛ چنان که در فرانسه نتوانستند پیروز انتخابات ریاست جمهوری شوند یا نتونازی ها در آلمان موفقیتی نداشتند. همچنین به واسطه نگرانی های عمومی که مردم از افراطی ها دارند آنها مجبور می شوند شعارها و سیاست های خود را تعدیل کنند.

انگلیس یکی از کشورهای مهم اتحادیه اروپا بود و شاید کسی فکر نمی کرد که روزی لندن از اتحادیه خارج شود. بنابراین خروج از اتحادیه اروپا اتفاق افتاد و لذا در آینده هم ممکن است اتفاق بیفتد. اتحادیه اروپا با وجود موفقیت هایی که داشته و الان ۲۷ کشور اروپایی عضو آن هستند، ولی با این مسأله هم روبه رو است که به تدریج انگیزه ها برای ماندن در آن کمتر شود؛ اگر شرایط اقتصادی، نظامی و امنیتی کشورهای اروپایی دچار ناکارآمدی شود، به صورت طبیعی انگیزه ها برای ماندن در اتحادیه کمتر می شود.

مشکلات اقتصادی و امنیت داخلی زمینه ساز رأی به راست های افراطی در برخی کشورهای اروپایی شده است. حزب راست افراطی «برای آزادی» در رهبری خیریت ویلدرس ۲۶ درصد آرای انتخابات مجلس هلند را از آن خود کرده و به یک پیروزی چشمگیر دست یافته است. پیش از این راستگرا در ایتالیا و مجارستان هم موفق به تشکیل دولت شده اند. در فرانسه هم نامزد راستگرا به مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری راه یافته بود اما در نهایت حریف مکرو نشت.

حال سؤال این است که با وجود چنین جریانی وضعیت پیش روی اروپا چه خواهد بود؟ در پژوهشنامه حاضر به این موضوع پرداخته شده و همچنین با توجه به دولت روی کار در اسرائیل، نسبت آنها با این موضوع نیز مورد توجه قرار گرفته است. با وجود کسب موفقیت هایی از سوی افراطی ها اما بخش بزرگ تر جامعه اروپا نسبت به قدرت گرفتن افراطی ها نگران هستند؛ چون جنگ جهانی دوم و نگاه برتری طلبی نژادی را میراث شوم آنها می دانند و نمی خواهند به آن دوران برگردند. مهم ترین نگرانی تجربه تلخ قدرت گرفتن افراطی ها در تاریخ اروپاست که مبتنی بر نژاد پرستی و نگاه انحصار طلبی بود و منجر به آغاز جنگ جهانی دوم و تبعات زاینبار آن برای خود اروپایی ها شد.

پیشینه جریان راست گرایی در اروپا

جریان های راست عمدتا جزو گروه های محافظه کار محسوب می شوند. در اروپا این جریان ها بیشتر بر روی هویت اروپایی تأکید دارند و موارد مختلفی مثل نژاد زبان هنر و فرهنگ و ادبیات و آیین مسیحیت را برجسته می کنند. مضاف بر این وجهه روشنگری و جلودار بودن در پیشرفت های علمی جهان معاصر را نیز برجسته می کنند و تأکید دارند که این وجهه اروپایی باید مورد توجه بیشتر قرار بگیرد یا باید در اولویت سیاست گذاری ها باشد. تأکید بر این موارد به عنوان وجوه متمیزه اروپا یا دیگر کشورها یا فرهنگ ها البته مخالفت هایی را نیز به همراه دارد و موجب نگرانی هایی هم در داخل خود اروپا شده است.

عمده دلیل نگرانی اروپایی ها از راست های افراطی سابقه تاریخی جنگ های مختلف در اروپا بر اساس خواست های ملی گرایانه قبل از جنگ جهانی و همچنین آغاز جنگ جهانی دوم بر اساس رویکرد برتری طلبی نژادی از سوی راست ها و ملی گراهای افراطی است.

علل استقبال عمومی از راست های افراطی

در کشورهای اروپایی که راست ها موفقیت هایی کسب کرده اند زمینه اصلی تمایل مردم به آنها وضعیت اقتصادی نامناسب است. دولت های حاکم اعم از لیبرال یا سوسیالیست از حل مشکلات اقتصادی ناتوان هستند و این وضعیت باعث شده که راست ها از آن سوء استفاده کنند و همزمان این مشکلات اقتصادی را به موضوع مهاجر ربط می دهند؛ ملی گراهای افراطی می گویند که مهاجران فرصت های شغلی را اشغال کرده اند و زمینه ساز تشدید مشکلات اقتصادی شده اند؛ لذا مهاجران را باید اخراج کرد یا

سیاست های مهاجرپذیری را باید بسیار محدود کرد و بیشتر به جنبه های ملی گرایانه توجه کرد؛ شبیه همان شعاری که دونالد ترامپ در آمریکا می داد یعنی اول آمریکا. شاید بتوان گفت که راست های افراطی در فرانسه بیشترین چالش را ایجاد کرده اند؛ چون مهاجران زیادی از آفریقا در این کشور زندگی می کنند که یک سابقه استعماری را نیز با خود به همراه دارند. از نظر ملی گراهای فرانسوی، مهاجران همزمان که فرصت های شغلی زیادی را اشغال کرده اند یک نفرت نژادی متأثر از دوران استعمار را نیز به همراه خود آورده اند؛ لذا زندگی این مهاجران در فرانسه ایجاد بحران می کند.

یک موضوع دیگر که زمینه بروز راستگرایی است، امنیت داخلی است. راست ها معتقدند که سیاست های مهاجرپذیری امنیت داخلی کشورهای اروپایی را به خطر انداخته است. این موضوع به خصوص بعد از پیدایش داعش نمود بیشتری یافت. به زعم افراطی ها داعش از یک سوا از مهاجران ساکن در کشورهای اروپایی عضوگیری می کرد و از سوی دیگر هم برخی اقدامات تروریستی و ناامنی از طریق مهاجران یا با همکاری آنها اتفاق می افتد؛ چنان که در فرانسه این موضوع خیلی مطرح شد. بنابراین تمرکز بر وضعیت نابسامان اقتصادی و امنیت داخلی و ربط دادن آن به مهاجران از سوی راست های افراطی باعث رأی دادن بخش هایی از جامعه به آنها می شود.



ملی گراهای افراطی بر توجه به داخل و خروج از اتحادیه تأکید دارند و مردم اروپا هم نگران این هستند که اگر اتحادیه اروپا فرو بپاشد، آنگاه بعید نیست دوباره جنگ ها بر سر مرزها و منافع، برگرداند

با این وصف آیا می توان راستگرایی را یک خطر جدی برای اروپا خواند؟

افراطی ها با استفاده از مشکلات اقتصادی و برخی شعارهای هویتی وجهه ای برای خود کسب کرده اما همزمان افکار عمومی کشورهای اروپایی ذهن خود متوجه خطر بالقوه راستگرایی هستند. آنها تاریخ اروپایی قبل از اتحاد و اروپایی قرن ۱۹ اوایل قرن ۲۰ را یاد نبرده اند که با جنگ های زیاد و توسعه طلبی های ملی گرایانه همراه بود. ملی گراهای افراطی بر توجه به داخل و خروج از اتحادیه تأکید دارند و مردم اروپا هم نگران این هستند که اگر اتحادیه اروپا فرو بپاشد، آنگاه بعید نیست دوباره جنگ ها یا اختلافات شدید بر سر مرزها و منافع، اروپا را به دوران قبل برگرداند. تجربه زبان بازتر افراطی ها هم جنگ جهانی دوم است که از خاطر نمی رود.

اتحادیه اروپا و چالش های پیش رو

انگلیس یکی از کشورهای مهم اتحادیه اروپا بود و شاید کسی فکر نمی کرد که روزی لندن از اتحادیه خارج شود. بنابراین خروج از اتحادیه اروپا اتفاق افتاده و لذا در آینده هم ممکن است اتفاق بیفتد. اتحادیه اروپا با وجود موفقیت هایی که داشته و الان ۲۷ کشور اروپایی عضو آن هستند؛ ولی با این مسأله هم روبه رو است که به تدریج انگیزه ها برای ماندن در آن کمتر شود. اگر شرایط اقتصادی و نظامی و امنیتی کشورهای اروپایی دچار ناکارآمدی شود، به صورت طبیعی انگیزه ها برای ماندن در اتحادیه می شود. مثلا کشورهای اروپای شرقی که دیرتر به اتحادیه پیوسته اند و نزدیکی جغرافیایی به روسیه دارند، نگرانی های



امنیتی دارند. اتحادیه اروپا گرچه یک قطب اقتصادی مستقل و مؤثر در جهان است اما به لحاظ نظامی و امنیتی وابسته به سازمان ناتو است که محوریت اصلی در آن بر عهده آمریکاست. در نهایت اگرچه در حال حاضر هنوز آن اتفاق حد نیفتاده اما به هر حال اتحادیه اروپا هم با چالش های جدی درون خود دست و پنجه نرم می کند.

اسرائیل و راستگرایی افراطی؛ ما برتریم، پس می کشیم!

موفقیت های راستگرایان افراطی در چند کشور اروپایی نگرانی هایی را برای دولت ها و افکار عمومی قاره سبز ایجاد کرده است سایت بی بی سی فارسی در گزارشی پیروزی حزب راستگرای «آزادی» در هلند به رهبری خیریت ویلدرس را رژانه ای در اروپا خوانده است. پیش از این راستگرایان در ایتالیا موفق به تشکیل دولت شده اند. در فرانسه هم راستگرایان پایگاه اجتماعی خود را تقویت کردند. راستگرایان یا ملی گراهای افراطی در چند کشور دیگر اروپا هم موفقیت هایی کسب کرده اند. در سوی مقابل بخش زیادی افکار عمومی نگران قدرت

گرفتن راستگرایان هستند. نگرانی اروپایی ها به روحیه و تفکرات برتری طلبانه راستگرایان برمی گردد که منجر به جنگ جهانی دوم شد. براساس آمارهای موجود در این جنگ نزدیک به ۸۰ میلیون نفر به صورت مستقیم در جنگ یا بر اثر تبعات جنگ جان خود را



افراطی که خود را نماینده قربانیان هولوکاست می خوانند، گویی ابایی ندارد هولوکاست دیگری علیه مسلمانان به راه اندازند.

این وضعیت توصیف شده از سرزمین های اشغالی، نمونه بارز تحقق خطرات و نگرانی هایی است که اروپایی ها از قدرت گرفتن راست های افراطی در قاره سبز دارند. برتری طلبی که تاکنون جان بیش از ۱۴۰۰۰ نفر را در نوار غزه گرفته است. بیراه نیست که آشکار شدن جنایات اسرائیل در نوار غزه مبتنی بر همان تفکر برتری جویانه سبب بسیاری از کشورهای اروپایی هم شده است. اگرچه احزاب راست در کشورهای خود هستند در راستگرایی دولت های جهان در اسرائیل یاسکوت کرده یا همراهی کرده اند.



برش

جنایات غزه نمونه بارز برتری طلبی

نموده های برجسته تر برتری طلبی راست های افراطی اسرائیل از ۷ اکتر امسال به این سو تا حال حاضر در نوار غزه بیشتر نمایان شده است. مقامات اسرائیلی برای کوچاندن ساکنان اصلی غزه از این منطقه، این برتری طلبی نژاد پرستانه تا آنجا پیش رفته که عضو کابینه نتانیاهو استفاده از بمب اتمی در غزه را نیز یک گزینه برای پاکسازی نژادی و مذهبی در این منطقه خوانده است. جریان

از دست دادند.

راستگرایان افراطی بخصوص در مقابل مهاجران سیاست های تندوتری دارند و طرفدار اخراج مهاجران یا اعمال محدودیت های شدیدتری علیه آنها هستند. بنیان تفکرات راستگرایان هم اهمیت دادن یا برتر خواندن نژاد، زبان، فرهنگ و هویت ملی خود است. این سیاست ها آن قدر تنگ نظرانه است که برخی از راستگرایان در اروپا خواستار خروج از اتحادیه اروپا هستند. در حقیقت آنها حتی ماهیت جمعی مجموعه ای به نام اروپا را نیز برنمی تابند.

جنگ جهانی؛ هولناک ترین کارنامه برتری طلبان

برجسته شدن و قدرت گرفتن این دیدگاه های ملی گرایانه افراطی نقطه مقابل ارزش های اروپایی همچون دموکراسی، حقوق برابر، حقوق شهروندی و تعامل به جای تقابل است. اروپایی ها البته تجربه تش ها و جنگ های زیادی را از سر گذرانده اند که وقوع آنها توسعه طلبی های ارضی، برتری طلبی های نژادی و قومی و مذهبی بوده است.

اشاره شد که برجسته ترین آنها تجربه هولناک جنگ جهانی دوم بود که بر بنیان برتری طلبی نژادی نازی ها و فاشیست ها، اروپا و جهان را درگیر یک فاجعه انسانی بی نظیر کرد. بنابراین اروپایی ها در پس قدرت گرفتن راست های افراطی احتمال تکرار تنش ها و جنگ های جدید در قاره خود را بعید نمی دانند و لذا نسبت به قدرت گرفتن آنها حساس هستند. جامعه مدنی قوی در اکثر کشورهای اروپایی شاید مانعی بر سر راه این خطر احتمالی باشد؛ چنان که راستگراها بعد از ورود به کابینه های ائتلافی مجبور به تعدیل سیاست های تندروانه خود می شوند.

یهودی ها یکی از قربانیان اصلی پاکسازی قومی و نژادی جنگ جهانی دوم بودند. دست بر قضا حالا رژیمی که داعیه دار تأمین منافع یهودیان جهان است، خود به مصداق باز تکرار برتری طلبی تبدیل شده است.

در حقیقت نگرانی های به حق اروپایی ها نسبت به خطرات راستگرایان افراطی در سرزمین های فلسطین به وقوع پیوسته است. کابینه این روزهای رژیم اسرائیل محل تجمع راستگراهای افراطی به رهبری بنیامین نتانیاهو شده که به اعتراف برخی مقامات خود این رژیم نمونه ای از نژاد پرستی است.

اسرائیل حتی دولت ملت یهود هم نیست!

۱۱ مارس ۲۰۱۹ رئیس وقت اسرائیل بدون آن که نامی از بنیامین نتانیاهو بیاورد گفت که «در

اسرائیل شهروند درجه دوم نداریم». رسانه ها اما اعلام کرده که این سخنان رثوون یولین واکنشی به سخنان نژاد پرستانه بنیامین نتانیاهو است که به صراحت گفته بود: «اسرائیل کشور تمام شهروندانش نیست بر اساس قانون دولت ملی یهودی که به تصویب مجلس رسیده است، اسرائیل فقط دولت ملت یهود است.» عرب ها حدود یک پنجم جمعیت اسرائیل را تشکیل می دهند. به نوشته دیپو نیوز فارسی اقلیت عرب تبار ساکن اسرائیل از چندین دهه پیش در مقایسه با شهروندان یهودی با نابرابری های اجتماعی و اقتصادی عمده ای از جمله نرخ بالای فقر، سکونت در شهرهای شلوغ و فاقد زیرساخت های لازم و مراکز آموزشی با بودجه اندک مواجه بوده اند.

وزیر دارایی اسرائیل در آگوست سال جاری بودجه اختصاص داده شده به مناطق عرب نشین و برنامه های آموزشی برای فلسطینیان در بیت المقدس شرقی را به حال تعلیق درآورد. در واکنش به این اقدام یائیر لاپید نخست وزیر پیشین، وزیر دارایی کابینه را به نژاد پرستی متهم کرده و گفته بود شهروندان عرب صرفا به دلیل عرب بودن مورد آزار و سوء استفاده قرار می گیرند.

این تبعیض نژادی در اسرائیل حتی محدود به مسلمانان و عرب ها نیست. ژوئیه ۲۰۱۹ هزاران یهودی اتیوپی تبار اسرائیل در شهرهای مختلف به خیابان آمده بودند تا به کشته شدن یک نوجوان سیاه پوست توسط یک افسر پلیس اعتراض کنند. در دهه های ۸۰ و ۹۰ میلادی ده ها هزار از یهودیان اتیوپی به اسرائیل آورده شدند.

براساس گزارش منتشرشده در بی بی سی فارسی آنها (یهودیان اتیوپی تبار) می گویند از زمان ساکن شدن در اسرائیل تبعیض سازمان یافته، نژاد پرستی و عدم همدلی با مشکلات شان روبه رو بوده اند. یکی از معترضان به خبرگزاری فرانسه گفته بود: «ما هرچه در توان داریم انجام خواهیم داد تا مطمئن شویم پلیس دیگر افراد را به علت رنگ پوست شان نمی کشد.»

بیشتر در سال ۲۰۱۵ هم وقتی همین یهودی های آفریقایی تبار در اعتراض به رفتار نژاد پرستانه افسر پلیس با یک سرباز یهودی اتیوپیایی در شهرهای تل آویو و بیت المقدس دست به اعتراض زده بودند، رون یولین رئیس وقت اسرائیل گفته بود: «جامعه، درد خود را از نژاد پرستی، تبعیض و بدون پاسخ ماندن فریاد می زند. ما باید به این رخس باز مستقیم نگاه کنیم.»

مردامه سال گذشته شمسی، ۹۰۰ نفر از اساتید دانشگاه های مختلف جهان از جمله دانشگاه های ییل، هاروارد، شیکاگو، میشیگان، واشنگتن و بیرستون آمریکا و تل آویو، حيفا و بن گوریون و ... تبعیض های رژیم اسرائیل علیه فلسطینی ها را نژاد پرستانه خواندند. به گزارش ایرنا، این خصمیت های دانشگاهی تأکید کردند که نظامیان اسرائیل در سال ۲۰۲۲ بیش از ۱۹۰ فلسطینی را در کرانه باختری و نوار غزه به شهادت رسانده و بیش از ۵۹۰ ساختمان متعلق به آنها را تخریب کرده اند؛ اما شهرک نشینان با وجود سرقت و آتش زدن دارایی های فلسطینیان و قتل آنها، از هرگونه مجازات در امان هستند؛ در حالی که فلسطینی ها در سایه رژیم نژاد پرستانه زندگی می کنند.